

# خبر چاپ مجروح یک کتاب

بهروز صفدری

سرانجام پس از چهار سال و طی روندی توان فرسا و ستوه‌آور، ترجمه‌ی کتاب پیش‌پاافتاده‌های بنیادی از رائل ونه‌گم به‌صورتی مجروح و معیوب توسط نشر نو هفته‌ی گذشته در تهران چاپ و منتشر شده است. شرح ماجرای این نخستین چاپ را به مجالی در آینده موکول و فعلاً توجه خوانندگان را به دو نکته جلب می‌کنم. نکته‌ی اول که مسؤلیت‌اش بر عهده‌ی ناشر بوده: اولین توزیع این کتاب در ایران، طی هفته‌ی گذشته، با پشت‌جلدی اشتباهی روانی بازار شده که متن آن مغایر با محتوا و هویت این کتاب و بدون اطلاع و توافق مؤلف و مترجم انجام شده است.

پس از تذکر این اشتباه به ناشر، ناشر متعهد شده نسخه‌های تاکنون پخش‌شده در بازار را جمع‌آوری و کتاب را با اصلاح متن پشت‌جلد از نو توزیع کند.

نکته‌ی دوم که خارج از دایره‌ی اختیارات و مسؤولیت ناشر بوده، در مقدمه‌ی کتاب به این صورت یادآوری شده است: عبورِ ناگزیر از خارستانِ مغیلان - همچون *condition sine qua non* شرطِ لاجرم - جراحت و جرح و تعدیل‌هایی تراژیک و کمیک بر جاهایی از تنِ این متن در این نخستین چاپ باقی گذاشت. خواننده‌ی جویای سلامت این اثر می‌تواند برای اطلاعات بیشتر و ترمیم متن به سایت شخصی مترجم مراجعه کند.

و سپس در سراسر کتاب اغلب موارد تغییر یافته یا حذف شده در پانویس‌هایی برای ارجاع به سایت مترجم مشخص شده است.

فهرست کامل بریدگی‌ها در اولین چاپ این کتاب به قرار زیر است. امیدوارم به یاری بازپخش این اطلاع‌رسانی توسط خوانندگان امکان ترمیم و التیام این متن تا حد امکان میسر گردد.

بهر روز صفدری

هشتم مارس ۲۰۲۲

---

برای هر صفحه نخست صورت چاپ شده و در زیر آن صورت اصلی متن آمده است.

ص. ۵۵، پاراگراف دوم:

قهوه و نوشیدنی

قهوه و کنیاک

جرعه‌هایی

پیک‌هایی

همان ص. پاراگراف سوم:  
زیاده‌روی‌ام در نوشیدن  
زیاده‌روی‌ام در باده‌نوشی

ص. ۵۶ پاراگراف سوم:  
همیشه لایعقل  
الکلی

همان ص. پاراگراف چهارم:  
نوشیدنی  
الکل

ص. ۸۳ پاراگراف اول  
اسقف اعظم، شیطان  
اسقف اعظم، خدا، شیطان

ص. ۸۷  
تفاوت‌های ظریفی قائل شویم: با توجه به این نکته ...  
تفاوت‌های ظریفی قائل شویم: در مورد مسیح، آیا نباید پذیرفت که اینجا  
به عبارت دقیقتر با پسر یک مالک سر و کار داریم؟ با توجه به این نکته ...

ص. ۸۸  
به قتل می‌رسیدند.  
به قتل می‌رسیدند. به گفته‌ی تاریخ‌شناسان، پس از آن دوره به سرعت به

دورهایی می‌رسیم که زندانیان، بردگان یا جنایت‌کاران به جای آن شهیدانِ والامقام کشته می‌شوند. زجر و شهادت از میان رفت و هاله‌ی مقدس‌اش برجای ماند. (همراه با این پانویس) این جمله شاید دخل و تصرفی باشد در عبارتی از ژاک بَنویل، تاریخ‌نگار سلطنت‌طلب فرانسوی: «فقط هاله‌ی شهادت را کم داشت.»

ص. ۱۰۱

پس از پاراگراف اول این پاراگراف حذف شده است:

چه بسا بتوان فاشیسم را ضمن دلایل دیگرش همچون ادای ایمان و مراسم مرتدسوزی از سوی بورژوازی‌یی دانست که با روحی دستخوشِ قتلِ خدا و تخریبِ نمایشِ عظیمِ مقدسات، دست به دامنِ شیطان شد، به رازورزی و عرفانی وارونه پناه برد، عرفانی سیاه با آیین‌ها و هولوکاست‌های خاصِ خود. عرفان و سرمایه‌ی بزرگ.

ص. ۱۱۰، بند ۱۶، به این صورت آغاز می‌شود:

روابط انسانی که درگذشته در استعلای ربّانی (به عبارت دیگر: در تمامیتی با کلاه مقدسات بر سر) حل شده بودند همین که امر مقدس نقش کاتالیزوری خود را از دست داد ته‌نشین گشته و به رسوباتی سفت تبدیل شدند. در همخوانی با ...

ص. ۱۱۲ پاراگراف اول

فاعل گاه‌گاهی و مفعول همیشگی!

گاینده‌ی گاه‌گاهی و گاییده‌ی همیشگی!

ص. ۱۳۲ بند ۲۳

که دیگر نه به دست نیرویی ماورایی، گزمه‌ها  
که دیگر نه توسط خدا، گزمه‌ها

همان صفحه، پاراگراف دوم:

این جمله‌ها در اول پاراگراف دوم حذف شده است:  
خدا همچون باندپیچیِ بیهوده‌ای برکنده شد و زخم دهان گشوده باقی ماند.  
به یقین، آن باندپیچی مانع از جوش خوردن زخم می‌شد اما رنج را توجیه میکرد  
و به آن معنایی می‌بخشید که ارزشی همسان با چند دُز مورفین داشت. اکنون  
دیگر ...

ص. ۱۴۷ ( بند ۲۹ ) پاراگراف سوم

( ... پاسکالی ) تحقق بخشیده است

( ... پاسکالی ) روی جسدِ خدا تحقق بخشیده است.